

## گزارشی از

### دومین فستیوال تئاتر ایرانیان مقیم آلمان

#### تئاتر "اورانیا" - کلن

شهر کلن در پاییز سال جاری میلادی (۱۹۹۵)، برای دومین بار، شاهد فستیوال تئاتر ایرانیان بود، اینبار نیز این فستیوال به همت و کوشش آقای مجید فلاحزاده به ثمر رسید. فستیوال به مدت یک هفته، از دوشنبه ۳۰ اکتبر تا یکشنبه ۵ نوامبر ۱۹۹۵، در تئاتر اورانیای<sup>۱</sup> شهر کلن<sup>۲</sup> برگزار شد و توانست با جذب ۱۳ گروه تئاتری و یک گروه رقص، برای بیش از هزار و دویست تماشاچی ایرانی و غیر ایرانی بیش از ۱۵ برنامه به زبانهای فارسی و آلمانی عرضه دارد. میزبانان این فستیوال اینبار توانستند نه تنها مهماندار گروههای تئاتری ایرانی باشند، بلکه دو گروه از دیگر ملیتها (آلمانی و ترک) نیز مهمان این فستیوال بودند. این سطور در واقع گزارشی مختصر از تلاش مجریان فستیوال و دست‌اندرکاران این برنامه‌ها در هفته فستیوال می‌باشد که به ترتیب روزهای اجرای آنها در هفته فستیوال بدانها پرداخته‌ایم.

\*\*\*

در نخستین شب فستیوال، روز دوشنبه ۳۰ اکتبر، ابتدا از سوی مجریان فستیوال اهداف و علت برگزاری فستیوال، به دو زبان فارسی و آلمانی، به سمع حاضرین رسید. سپس اضافه شد که این فستیوال به پاس خدمات ارزنده غلامحسین ساعدی در زمینه ادبیات نمایشی به وی تقدیم می‌شود. پس از برنامه افتتاحیه فستیوال، "گروه رقص بهار" زیر نظر آقای ناصر بهرام‌پور با ارائه قطعات زیبای رقص توانست توجه بسیاری را به خود جلب کند. این گروه توانست اینبار با ترکیب اسلاید، دکلمه، موسیقی و رقص شکل نوینی از رقص را به تماشاگران خود عرضه دارد. اولین برنامه تئاتری فستیوال را "گروه تئاتر دنیا" با نمایشنامه‌ای تحت عنوان "کتافت" از روبرت شنايدر<sup>۳</sup> به ترجمه و کارگردانی آقای محمد علی بهبودی تقدیم تماشاگران فارسی زبان ما کرد. گروه تئاتر دنیا که از شهر "آبرهاوزن"<sup>۴</sup> مهمان فستیوال بود، یک تک‌گویی نمایشی را تدارک دیده بود، که در آن خود کارگردان ایفای نقش نیز می‌کرد. داستان نمایش باز گو کننده زندگی یک خارجی در آلمان و مشکلات وی با محیطی بود که وی در آن زندگی می‌کرد.

دومین روز هفته تئاتر، سه‌شنبه ۳۱ اکتبر، نمایشی بود که "گروه تئاتر آرکاداش"<sup>۵</sup> آن را تدارک دیده بود. نمایش ارائه داده شده‌ی این گروه در فستیوال "کم‌کم! آدم‌ها می‌آیند!" نام داشت، که کارگردانی و نویسندگی اثر به عهده آقای نجاتی شاهین بود.

<sup>۱</sup> Urania-Theater

<sup>۲</sup> Köln

<sup>۳</sup> Robert Schneider

<sup>۴</sup> Oberhausen

این نمایش که به زبان آلمانی برای کودکان و نوجوانان تهیه شده بود، کنکاشی نمایشی بود در مسئله بفرنج و همه‌گیر محیط زیست!

نخستین برنامه شب، نمایش "پرومته آ" از "گروه تئاتر سکوت" بود. این نمایش برداشتی از نمایشنامه پرومته اثر آشیل نویسنده یونانی بود که، به تصریح بروشور<sup>۶</sup> نمایش، آنرا آقای مجید فلاحزاده، کارگردان و تنظیم کننده نمایش، با اوضاع و حوادث ایران تطبیق داده بود. در نمایش مذکور پنج بازیگر ایفاگر نقش‌ها بودند. دومین برنامه شب توسط "گروه تئاتر پردیس" از شهرهای "بوخوم" و "دورتمند" بود. این گروه با اجرای نمایشنامه "رابطه باز زناشویی" اثر "فرانکا رامه" و "داریو فو" با ترجمه و تنظیم آقای ایرج زهری و دو بازیگر گروه، روی صحنه آید.

در بروشور نمایش آمده است: «موضوع نمایشنامه مسئله مهم امروز دنیاست.» این نمایش «مبارزه یک زن شوهردار را برای آزادی از قیدوبند سنت‌های خانوادگی حاکم در جامعه‌های مردسالاری نشان» می‌دهد. در عصر روز چهارشنبه، اول نوامبر، نخستین برنامه را "گروه تئاتر رز" از شهر کلن با نمایشنامه‌ایی تحت عنوان "نوازندگان دوره‌گرد (در عصر جدید)" به نویسندگی و کارگردانی عطا گیلانی به تماشاگران عرضه داشت.

داستان این نمایش یکی از حکایات قدیمی آلمانی است که بنابه گفته بروشور نمایش توسط برادران "گریم"<sup>۷</sup> ثبت و منتشر شده است.

نویسنده نمایشنامه‌ی مذکور براساس این حکایت برداشت نویسی از آن کرده و سعی داشته توسط این اثر سمبلیک زندگی اجتماعی انسانها رابطه آنها را با یکدیگر و برخی از مشکلات آن را بازگوید.

این نمایش را بنابه گفته بروشور آن هنرآموزان جوان گروه تئاتر رز به عهده داشتند که در آن هفت بازیگر ایفاگر نقش‌ها بودند. این نمایش به زبان آلمانی ارائه شد.

در شب چهارشنبه "گروه تئاتر میترا" از فرانکفورت نمایشنامه مرگ یزدگرد اثر آقای بهرام بیضایی را، به زبان آلمانی با کارگردانی آقای پرویز برید ارائه داد. در این نمایش پنج بازیگر آلمانی و دو بازیگر ایرانی ایفای نقش می‌کردند. ترجمه اثر مذکور نیز به عهده خانم ایزابل اشتوپل<sup>۸</sup> بود.

پنج شنبه شب، دوم نوامبر، شاهد دو برنامه بود. نخستین برنامه توسط "گروه تئاتر تندیس"، از فرانکفورت، بود که "آخرین نامه" نام داشت. این نمایشنامه را آقای نسیم خاکسار نوشته و خانم هایده ترابی کارگردانی کرده بود. نمایش بازگوکننده رابطه یک مرد و زن بود که بنابه دلایل سیاسی از یکدیگر دورافتاده

---

## ARKADAŞ ۵

<sup>۶</sup> در سراسر این مقاله هر جا که کلمه‌ی بروشور ذکر شده است اشاره به بولتنی می‌باشد که از سوی مجریان فستیوال تهیه شده بود و در آن برای تک تک برنامه‌ها توضیحات مختصری در نظر گرفته شده بود.

<sup>۷</sup> برادران گریم (Grimm)، دوبرادری بودند که در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در آلمان می‌زیسته‌اند و در امر جمع‌آوری و ثبت حکایات و افسانه‌های آلمانی کوشش فراوان کردند.

<sup>۸</sup> Isabel Stoppel

بودند و اکنون که یکدیگر را پس از سالها بازیافته بودند زبان مشترکشان را از دست داده بودند. بنابه تصریح بروشور نمایش: « آنها سالهاست که همدیگر را ندیده‌اند. سالهایی که مرد در تبعید گذرانده است و زن -- همسرا - در ایران... نمایشنامه‌ای که در آن نویسنده تجربه‌های شخصی خویش را به کار گرفته است.»

آخرین نامه نمایش دونفره‌ای بود که خانم هایده ترابی ضمن کارگردانی در آن ایفای نقش نیز می‌کرد.

دومین برنامه در شب پنج‌شنبه از آن "گروه تئاتر پگاه" با ارائه نمایش "چهار صندوق" اثر آفای بهرام بیضایی بود. این گروه از کشور فرانسه، شهر استراسبورگ، مهمان فستیوال بود. نمایش را آقای جعفر شیران کارگردانی کرده و به همراه بازی خود و چهار تن دیگر عرضه داشته بود.

در بروشور نمایش چهار صندوق «چهار اسیر تاریخ» معرفی شده بودند.

روز جمعه، سوم نوامبر، نخستین برنامه را "گروه تئاتر گوهر" از برلین با نمایش "عقل کل" به نویسندگی و کارگردانی آقای فرهاد پایار با بیش از یازده بازیگر به اجرا درآورد.

به گفته بروشور نمایش این نمایشنامه بازگو کننده زندگی «سه نسل زیر یک سقف» بود. در طول نمایش سعی شده بود را بطه و نحوه‌ی درک و دریافته‌های این سه نسل از یکدیگر به زبانی طنزآلود به تصویر کشیده شود.

"گروه تئاتر چهره" با ارائه نمایشنامه "عاقبت قلم فرسایی" اثر غلامحسین ساعدی دومین برنامه جمعه شب را عهده‌دار شد.

نمایش مذکور را اصغر نصرتی کارگردانی کرده بود و در آن دو بازیگر دیگر همراه با خود کارگردان نمایش ایفای نقش می‌کردند.

در این نمایش موقعیت نویسنده‌ای ترسیم شده بود که به خاطر عدم توانایی در جهت عملی کردن قولها و وعده‌های خود به یکی از مجله‌های کشور به منظور ارسال پاورقی عاشقانه‌ای به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود. با این امید که شاید به طریقی بتواند پاورقی مذکور را آماده کند. به همین منظور ابتدا از نوکرش و سپس از گدایی رهگذر تقاضای کمک می‌کند.

روز شنبه، چهارم نوامبر، نخست نمایشی توسط "گروه اشپیل بال" بانام "جوئیستیک" ۱۰ ویژه کودکان و نوجوانان ارائه شد. این نمایش اقتباسی از پروژه تئاتر یک مدرسه بود که به کارگردانی "پتر کورنر" ۱۱ و بازی چهار تن از بازیگران شهر کلن، به زبان آلمانی، به روی صحنه آمده بود.

نمایش سعی کرده بود برخی از مشکلات اجتماعی کودکان و نوجوانان را که در جوامع صنعتی زندگی می‌کنند بازگوید.

۹ Spielball (توپ بازی)

۱۰ Joe Joystiek

۱۱ Peter Körner

دومین برنامه شب‌شب که ویژه بزرگسالان بود، حاصل تلاش "گروه تئاتر همگان" با نمایشنامه "ابراهیم توپچی و آقاییک" بود.

این نمایش توسط آقای منوچهر رادین نوشته و کارگردانی شده بود. در این نمایش ضمن بازی خود کارگردان بیش از ۱۶ بازیگر دیگر ایفای نقش می‌کردند.

به نظر نگارنده‌ی این سطور نمایشنامه مذکور (به ویژه در پرداخت شخصیت اصلی نمایش - آقا بیگ -) به نحوی متاثر از نمایشنامه "آدم آدم است" اثر برتولت برشت و یا "شویک سرباز سربراه" بوده است. انسانی ساده لوح که تحت شرایطی به نفع کسانی می‌جنگد که به واقع دشمن او و امثال او می‌باشند.

آخرین روز فستیوال، روز یکشنبه ۵ نوامبر، سه برنامه را دربرداشت. نخستین برنامه از آن "گروه عروسکی زنگوله" بود که با ارائه نمایشنامه "بچه‌ها بیاین بازی کنیم" با نویسندگی و کارگردانی بهرخ حسین بابایی و ایفای نقش توسط ۶ بازیگر توانسته بود برنامه‌ای مخصوص کودکان تهیه کند.

این نمایش سعی کرده بود بچه‌های ایرانی مقیم خارج از کشور را با بازی‌های پدران و مادرانشان آشنا کند. چرا که دوری از کشور مانع از ارتباط مستقیم این بچه‌ها با بازی‌های ایرانی گشته است.

دومین برنامه از آخرین شب فستیوال توسط گروه رقص بهار بود که با عرضه قطعات دیگری از رقص ایرانی زینت‌بخش برنامه پایانی فستیوال بود. در این اجرا نیز سرپرست گروه، آقای بهرام‌پور، سعی کرده بود با ترکیب تئاتر و رقص شکل نوینی را ارائه دهد.

در بروشور برنامه در باره کار ارائه شده گروه رقص بهار از جمله آمده بود: «این نوع رقص دیگر تنها تحرک موزون عده‌ای بر صحنه، که بر قرینه‌سازی تکیه دارد، نیست. بلکه سعی دارد با این وسیله بیانی، اندیشه و احساس شرقی را در قالبی داستانی بازآفرینی کند.»

آخرین برنامه ارائه شده در فستیوال تئاتر ایرانیان نمایش حسن کچل بود که توسط گروه‌های تئاتری سکوت و رُز تدارک یافته بود. این نمایشنامه را آقای عطا گیلانی نوشته و آقای مجید فلاح زاده کارگردانی کرده بود. در این نمایش بیش از هجده نفر ایفای نقش می‌کردند.

در نمایشنامه حسن کچل که روایتی نو از حکایتی کهنه بود، نویسندگی کرده بود باطنزی ساده به حسن کچل حکایت‌ها هویتی جدید بخشید. در این حکایت تازه حسن کچل با پس‌زمینه‌های سیاسی - اجتماعی درآمیخته شده بود.

\*\*\*

در کنار برنامه‌های نام‌برده، فستیوال تلاش کرد فعالیت‌های دیگری نیز تدارک ببیند. از جمله برنامه‌های جانبی فستیوال سه سخنرانی بود که توسط آقایان عطا گیلانی، مجید فلاح زاده و ایرج زهری ایراد شد.

ضمن چاپ و پخش پوستر رنگی فستیوال، برنامه هفتگی فستیوال نیز به دو زبان آلمانی و فارسی در مراکز هنری و تجمع ایرانیان در دسترس هموطنان قرار گرفت. در کنار این فعالیت تبلیغاتی بولتنی از سوی فستیوال تدارک دیده شد که در آن هر روز از هفته فستیوال به ترتیب روز اجرا شرح داده شده بود. در این بولتن نام برنامه، گروه ارائه کننده، ساعت اجرا، نوع زبان برنامه، کارگردان یا سرپرست، بازیگران و نویسندگان و خلاصه داستان از جمله اطلاعاتی بود که در آن ذکر شده بود. این بولتن با بهای بسیار نازل در دسترس تماشاگران قرار گرفت.

فستیوال سعی کرده بود برای گروههایی که از شهرهای دور به کلن می‌آمدند محل استراحت و خواب تهیه کند. از همین روی بسیاری از گروههای مهمان شب را در شهر کلن بسر می‌بردند.

\*\*\*

اگر بخواهیم فستیوال سال ۱۹۹۵ را با سال گذشته آن مقایسه کنیم، بایستی بگویم اولاً به لحاظ شرکت کمی گروههای نمایشی، فستیوال موفق‌تر از پارسال بود چرا که شرکت گروههای تئاتری در فستیوال تئاتر ایرانیان دو برابر شده بود.

به لحاظ تماشاچی نیز فستیوال امسال موفق‌تر از سال گذشته بود چرا که امسال بیش از هزار و دویست نفر از نمایشهای مختلف دیدن به عمل آوردند. این تعداد شامل برنامه افتتاحیه و اختتامیه نمی‌باشد. از همین رو فستیوال امسال توانست دو برابر سال گذشته تماشاگر جلب سالن نمایش کند.

به‌گمان نگارنده این سطور علی‌رغم این نکات مثبت در فستیوال اخیر، متأسفانه کمبودهایی نیز به چشم می‌خورد که فستیوال می‌بایستی در سالهای آینده در جهت رفع آنها بکوشد.

فستیوال به‌لحاظ جذب دیگر گروههای تئاتری ایرانیان مقیم آلمان راه درازی در پیش دارد هنوز بسیار هستند کسانی که به هر دلیل در پشت درهای فستیوال مانده‌اند. مجریان امر می‌بایستی با صبر و بردباری فراوان با این گروهها تماس گرفته آنها را جلب این همکاری همگانی کرده و در جهت پُربارتر کردن فستیوال بکوشند و با شرکت هرچه بیشتر دیگر گروهها موجب افزونی شور و شوق و بالا بردن کیفیت فستیوال شوند. تا بدین وسیله به جذب هرچه بیشتر تماشاگران ایرانی نیز موفق شوند. بی‌شک شرکت هرچه بیشتر گروههای تئاتری و به طبع آن تماشاچی ایرانی نه تنها موجب رشد کمی فعالیت فستیوال می‌شود بلکه حضور فکر و اندیشه دیگران در کیفیت فستیوال نیز نقش مؤثری ایفا خواهد کرد.

فستیوال نتوانسته بود تبلیغات وسیعی را تدارک ببیند. نه تنها شکل تبلیغات، بلکه وسعت آن نیز تنگ بود. در تبلیغات تنها به برگزاری فستیوال توجه شده بود و از همین روی گروههای تئاتری که از شهرهای دیگر آمده بودند با استقبال نه‌چندان خوبی در شهر کلن مواجه نشدند. زیرا اکثر تماشاچیها همانا شهروندان شهر کلن بودند و گروههای تئاتر مهمان را به خوبی نمی‌شناختند. به‌همین خاطر آنطور که شایسته زحمات این گروهها بود از آنها قدردانی و استقبال نشد.

در مجموع باید در زمینه تبلیغات متذکر شد که فستیوال در این زمینه چندان موفق نبوده است. بسیج و برنامه ریزی در این مورد بسیار ضعیف عمل کرده بود. فستیوال می‌توانست در امر تدارک و برنامه‌ریزی از نظرات و پیشنهادات بسیاری سود جوید شاید که برخی از کمبودها رفع می‌شد.

در بحث تبلیغات نباید از ذکر یک نکته مهم غافل شد و آن عدم همکاری برخی از نشریات، مجله‌ها و روزنامه‌ها بود که هرگز برای چاپ آگهی‌های فستیوال دست یاری به سوی مجریان فستیوال دراز نکردند.

کمبود جا و عدم امکانات صحنه‌ایی و اتاق گرم موجب بسیاری از مشکلات در هنگام اجرای نمایشها شده بود.

جای یک بولتن خبری که می‌بایست روزانه در دسترس علاقمندان تئاتر قرار می‌گرفت، تا اخبار حاشیه‌ای فستیوال را منعکس سازد، خالی بود. از سوی دیگر فستیوال در پایان کار خود نیز نتوانست یک بولتن تهیه کند که در آن امکانی به وجود آید تا نتیجه و تاثیر فستیوال به لحاظ کمی و کیفی مورد دقت منتقدین قرار گیرد. از

سوی دیگر مجریان فستیوال اقدامی در جهت بررسی ضعفها و امتیازهای مثبت فستیوال نیز نکردند. در این راه حتی سعی در همه‌پرسی از کسانی که از نزدیک دستی بر آتش فستیوال داشتند نیز به عمل نیامد. فستیوال می‌توانست با تهیه بولتن پایانی خود بسیاری از این نکات ذکر شده را با بهره‌گیری از نظریات گروه‌های شرکت کننده منعکس کرده و از این طریق راه گفتگو را برای رفع کمبودها ایجاد کند. این بولتن در عین حال می‌توانست نقش ترازنامه فستیوال را نیز ایفا کند. بی‌شک چنین ترازنامه‌ای می‌توانست یاور ارزشمندی برای برنامه‌ریزی فستیوال سال آینده باشد.

فستیوال باید به بخش کودکان و نوجوانان توجه بیشتری کند. بطوری که هرروز یک برنامه ویژه کودکان نیز داشته باشد. چراکه دوری فرزندان ایرانی ما از میهن منجر به نوعی بیگانگی با زبان و فرهنگ ایرانی شده است. این امر باید با تشویق گروه‌هایی صورت گیرد که در این راه تلاش فراوان می‌کنند. فستیوال بایستی به این گروه‌ها نه تنها امکانات بیشتری بدهد بلکه برای آنها امتیازات مالی و تدارکاتی و تبلیغاتی ویژه‌ای نیز قائل شود. بی‌شک نباید در ذکر این کمبودها نکته بسیار مهمی را از نظر دور داشت و آن اینکه برای رفع برخی از این کمبودها می‌بایستی ابتدا کمبود امکانات مالی را برطرف کرد. زیرا این مشکل موجب شده بود بسیاری از آروزها و امیدها در جهت بهبود فعالیت‌های فستیوال موقتاً بدست فراموشی سپرده شود. اما مسئله بسیار مهمتر جوانی این فستیوال است و کدام نخستین تجربه است که از اشتباهات و کمبودها بری باشد.

\*\*\*

در این گزارش نگارنده سعی کرده است تا حد امکان با توجه به برنامه فستیوال تنها به ذکر نام برنامه‌ها و دست‌اندرکاران آن توجه کند و کمتر از کیفیت کارهای ارائه شده سخن به میان آورد. چرا که سخن در این باره نه هدف این گزارش بوده و نه در حوصله‌ی این گزارش می‌گنجد. پرواضح است که این کار به عهده منتقدین هنری است که با دقت و حوصله به بررسی و نقد کارهای ارائه شده بپردازند. تاب‌دین وسیله ضعف کارهای گروه‌های مذکور تا حد ممکن کاهش یافته و هر چه بیشتر در جهت ارائه کارهای نمایشی بهتری پیشروند. با تشکر و آرزوی موفقیت هرچه بیشتر برگزارکنندگان دومین فستیوال تئاتر ایرانیان و گروه‌های شرکت کننده در فستیوال.

اصغر نصرتی

آلمان - کلن

دسامبر ۱۹۹۵